

تاریخ دموکراسی

((بخش نخست))



بسیاری از واژگانی که امروز در قلمرو تئوری های سیاسی بکار میروند، ریشه در زبان یونانی دارند. کلماتی نظیر اولیگارشی، اریستوکراسی، تائیرانی و دموکراسی از یونان باستان بر جای مانده اند. دموکراسی از ترکیب دو واژه Demos به معنی مردم و Kratein به معنی ((به حکومت)) یا ((در حکومت)) ساخته شده است. در یونان باستان دموکراسی را Demokratia می گفتند و از آن مفهوم ((حکومت مردم)) یا ((قدرت مردم)) مستفاد بود.

گروهی بر اینند که این واژه توسط دشمنان دموکراسی در یونان ساخته شده و طبقه ثروتمند و نجبای یونان، این واژه را با فحواى منفی بکار می بردند، و Demokratia را حکومت ((عوام)) یا ((توده)) می دانستند، و حکومت طبقات پایین جامعه را بر خود نمی پسندیدند.

یونان باستان (حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد) از صدها شهر مختلف متشکل بود، که در محل یونان امروز و دریای مدیترانه و دریای سیاه پراکنده بودند. در این شهرها حکومت های مختلف مقدرات مردم را در دست داشتند. بعضی این شهرها توسط قلیلی از ثروتمندان اداره می شدند، که همان Oligarchie باشد، بعضی دیگر پادشاهی بودند.

به تحقیق قدیم ترین و پایدارترین دموکراسی در جهان قدیم در آتن بوجود آمد. دموکراسی آتن با قدرت تمام به مدت ۸۰ سال دوام یافت، تا آنکه به سال ۳۲۲ پیش از میلاد، با به قدرت رسیدن فیلیپ و پسرش اسکندر در مقدونیه، دموکراسی آتن از میان رفت.

در بعضی شهرهای دیگر یونان کم و بیش اثری از دموکراسی بر جای بود، تا روزگاری که امپراطوری روم، یونان را تسخیر نمود و دموکراسی یکسره از یونان رخت بر بست.

اندیشه دموکراسی نزدیک به ۱۰۰ سال پیش از پیدایش حکومت دموکراسی در آتن توسط شاعر و سیاستمدار یونانی ((سالون)) پیشنهاد شده بود.

حکومت آتن، پیش از پیدایش دموکراسی، حکومتی دیکتاتوری بوده و پیسیستراتوس (Peisistratus) دیکتاتور مقتدر، حاکم مطلق العنان آتن بشمار میرفته است. جنبش های سیاسی در جهت اصلاحات دموکراتیک به حدود سالهای ۵۰۸-۵۰۷ قبل از میلاد آغاز گردیده است.

در حمله های پیایی ایرانیان به فرماندهی خشایار شاه و داریوش، پادشاهان هخامنشی، به سالهای ۴۸۰ و ۴۹۰ قبل از میلاد که به دو شکست بزرگ در نبردهای ماراتن و سالامیس انجامید، منجر به ایجاد حکومت دموکراسی در آتن گردید.

طبقات فقیر و مردمان عادی آتن که در این دو پیروزی سهمی بزرگ داشتند، پس از فرو نشستن آتش جنگ و دفع حملات ایرانیان، خواستار شراکت در امر حکومت شدند و طی تلاشهای سیاسی که به حدود ۴۶۰ پیش از میلاد بوقوع پیوست، دموکراسی آتن تولد یافت. در سایه این دموکراسی نوپا، فضایی مناسب جهت بیان عقاید و داد و ستدهای فکری پدیدار گردید و بسیاری از نوادر تاریخ یونان نظیر سوفکل، اریستوفان، سقراط، افلاطون و ارسطو که اساس تفکر مغرب زمین را بنیاد کردند، از این فضا تولد یافتند.

اما دموکراسی آتن بدون دشمن نبود، و عناصر اولیگارشسی ضد انقلاب به کمک دشمن قدیم آتن یعنی اسپارتهها در سال ۴۰۴ حکومت دموکراتیک آتن را سرنگون نمودند و حکومت اولیگارشسی را بر جای آن نشاندند. اما شهروندان آتن با یک ضد حمله، پس از یک سال، مجدداً حکومت دموکراسی را برقرار نمودند.

دموکراسی آتن با دموکراسی های امروز جهان تفاوت بسیار داشته است. از ۴۰۰ هزار تن سکنه آتن ۲۵۰ هزار، بردگان بودند که حق رای و انتخاب نداشتند و ۵۰ درصد بقیه جمعیت که زنان بودند نیز از شرکت در فرآیند دموکراسی محروم بودند. با این همه کلیه کارکنان دولت مستقیماً توسط مردم انتخاب می شدند و از این جهت دموکراسی آتن بر دموکراسی های مدرن برتری داشته است.

باری، پس از محاکمه و اعدام سقراط بسال ۳۹۹ قبل از میلاد، بسیاری از ساکنان آتن من جمله افلاطون از دموکراسی آتن آزرده شدند. افلاطون با تاسیس دانشکده Academia به تحقیق و تدریس پرداخت و قریب ۴۰ سال به گسترش اندیشه های خویش اشتغال داشت.

افلاطون را میتوان به تحقیق نخستین فیلسوف سیاسی دانست که با تحریر کتاب ((جمهوریت)) و به میان انداختن تئوری ((مدینه فاضله)) تأثیری دیرپا در شیوه تفکر سیاسی مغرب زمین بر جای نهاد. افلاطون با علم به شیوه های مختلف حکومتی و اندیشه های سیاسی آن روزگار بر آن شد که شیوه جدیدی در اساس حکومت و دولت بنیاد نماید، و مدینه فاضله یا Ideal Commoweth که به یونانی Utopia گفته می شود، حاصل این اندیشه است.

شایان ذکر است که افلاطون بنیان گذار مکتب Objective Idealism است، و حقایق غایی (Ultimate Reality) را در ماوراء طبیعت می جوید. به گمان او این جهان ملموس و محسوس، تصویری مخدوش و ناقص از جهان مُثُل ها است، و زیبایی و کمال را فقط در آن جهان میتوان یافت. بخش مهم از کتاب جمهوریت مصروف شرح و بسط همین طرز تلقی از حقیقت شده است. مقصود آنکه افلاطون فیلسوفی ایده آلیست است و هنگام طرح تئوری مدینه فاضله عملی بودن یا نبودن آنچه پیشنهاد می کند برای او اهمیتی ندارد.

او در جهان تخیلات رنگین و نیرومند خود جستجوگر کمال است، و به حقایق ملموس و داده های عینی جامعه توجهی ندارد. باری، افلاطون جامعه ایده آل خود را با تقسیم بندی روم به سه طبقه متمایز آغاز می نماید. طبقه ممتاز یا (Guardians) که قدرت و حکومت را در دست دارند، طبقه نظامیان که وظیفه دفاع از کشور و اجرای قانون بر عهده آنهاست و طبقه سوم، که مردمان عادی از قبیل صنعتگران، کشاورزان و بازرگانان هستند. هیچ یک از دو طبقه پایین، حق دخالت در امور سیاسی کشور را ندارند.

طبقه حاکمان (Guardians) در مرحله اول توسط قانون دانان انتخاب می شوند و طبعاً تعدادشان بسیار کمتر از دو طبقه دیگر است. پس از انتخاب اول، فرزندان این طبقه بطور موروث قدرت سیاسی را در دست خواهند داشت.

در موارد استثنایی، اگر کودکی دارای استعدادی فوق العاده باشد، می تواند از طبقات پایین به طبقه حاکمان صعود نماید. بر عکس اگر در خانواده حاکمان، کودک بی استعدادی یافت شد که ظرفیت های لازم جهت رهبری را نداشت، از طبقه ممتاز رانده می شود.

ادامه دارد . . .